

## مطالعه مقایسه ای تئوری و عملی آموزش و پرورش در کشورهای مختلف

لادن سلیمی<sup>۱</sup>، صفورا حسین پور<sup>۲</sup>

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد ساری

۲. صفورا حسین پور، دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، مدیر آموزگار

### چکیده

آموزش و پرورش یکی از نهاد های اصلی جامعه است که وظیفه ی تعلیم و تربیت و آماده ساختن افراد مؤثر و مفید را جهت خدمت در جامعه بر عهده دارد. آنچه ما را بر آن داشت که به جمع آوری مطالب در این زمینه بپردازیم، بررسی نظام های آموزشی کشور ها و مطالعه ی مقایسه ای تئوری و عملی آموزشی و مقایسه آنها با یکدیگر برای کلیه کسانی که به نحوی با آموزش و پرورش سرو کار دارند می باشد که موضوعی جالب و آموزنده است و در این مقاله به صورت کلی به آن پرداخته می شود. برای پرورش افرادی مفید و مطلوب، نیاز به یک نظام آموزشی کار آمد است که اجزا و عناصر آن اعم از مواد درسی، دانش آموز، معلم، وسایل آموزشی، فضا و... با یکدیگر در ارتباط اند تا اهداف مورد نظر تحقق یابد. هدف از این مقاله بررسی تطبیقی آموزش و پرورش در کشورهای مختلف جهان است با تاکید بر چند شاخص، روند شکل گیری مدارس، اداره آموزش و پرورش به شیوه متمرکز و غیرمتمرکز، مواد درسی، پایه ها و مقاطع آموزشی، مواد درسی و آموزش زبانهای خارجی، حقوق و مزایای معلمان می باشد. در این مقاله ابتدا به سیر تاریخی نظام آموزشی و سپس به ساختار و اهداف آموزشی این نظام پرداختیم.

**کلید واژه:** بررسی تطبیقی آموزش و پرورش، تربیت معلم، پست مدرنیسم، معلم.

**مقدمه:**

در آموزش و پرورش مجموعه دانش ها، عقاید، آداب و رسوم و خصوصیات اخلاقی و قومی جامعه مطرح می شود. عوامل مزبور در جوامع مختلف صورت های گوناگون دارند و به همین علت نمی توان یک نظام آموزشی ایده آل و یکسان که در تمام جهان قابل عمل و اجرا باشد، ارائه کرد. از سوی دیگر، هیچ نظام آموزشی به خودی خود کامل و بدون عیب و نقص نیست و هر سیستم آموزشی با توجه به کمبودها و نواقص خود درصدد رفع و گرایش به سوی کمال است. به عبارت دیگر نظام آموزشی به آنچه دارد قانع نیست و به آنچه ندارد، می اندیشد و این خود انگیزه ای برای رشد و رسیدن به کمال است. آموزش و پرورش نهادی پویا و پیوسته در حال دگرگونی است و حاصل کار آن زمانی می تواند رضایت بخش و مفید باشد که به خواسته های جامعه پاسخ دهد. در سایه آموزش و پرورش صحیح می توان برای مردم جامعه زندگی بهتر و مرفه تری ایجاد کرد و همچنین آموزش و پرورش می تواند تحت روش ها و اصول نادرست وسیله ای برای سقوط و نابودی جامعه تلقی شود. ارزش و کاربرد هر سیستم آموزشی به هدفهای آن وابسته است. هدف های آموزشی که خود مبنای مقایسه نظام های مختلف هستند، سمت و سوی عملکرد نظام را مشخص می کنند. به علاوه در تعیین این هدفها عوامل بی شماری دخالت دارند، که برای مقایسه دو سیستم آموزشی با یکدیگر بناچار باید به آنها توجه کرد. (فرجاد محمد علی، ۱۳۸۸)

**هدف های آموزش و پرورش**

هدف های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف گوناگون است اما وجوه اشتراکی هم دارند. بسیاری از هدفها جنبه عام دارند. مانند: پرورش انسان متقی و سالم یا پرورش انسان با اخلاق و کارآمد. با آنکه پاره ای از هدفها مشترکند اما با توجه به تفاوت های مذهبی، ملی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی .... در کشورهای مختلف، عوامل مزبور در روش های اجرایی نظام آموزشی نقش مهمی ایفا می کنند. در عمل تفاوت های زیادی بین آنها به چشم می خورد.

نظام آموزشی بر پایه هدف های آن استوار است و هدفها جز خواسته های منطقی جامعه چیزی نیست زیرا هزینه ها را مردم به وسیله مالیات و عوارض می پردازند و لذا مسائلی که در خارج از نظام آموزش و پرورش یعنی جامعه وجود دارد بیش از مسائلی که در داخل آن مطرح می شود بر محتوای آموزش و پرورش و جریان آن تأثیر می گذارد. پس در بررسی هر نظام آموزشی قبل از هر کاری باید شیوه های حکومتی را بررسی کرد. کندل می گوید: «در بررسی نظام های آموزشی ابتدا باید ایدئولوژی و فلسفه های حاکم بر جوامع مختلف را مورد مطالعه قرار داد و سپس به مقایسه آنها پرداخت».

مواد درسی در سراسر کشور یکسان است و برنامه ها یکنواخت طرح می شوند و معلم چاره ای ندارد جز در قالب برنامه های طرح شده، کار کند. بازرس ها از طرف وزیر آموزش و پرورش انتخاب می شوند. آنان کسانی هستند که سوابق ممتد اداری و آموزشی دارند و در طی زمان خدمت لیاقت و شایستگی خود را به اثبات رسانیده اند. وظیفه آنها جلب رضایت معلمان و مدیران و برقراری انضباط در مدارس است. اینان بر کلیه فعالیت های اداری و آموزشی منطقه نظارت دارند.

نظام آموزشی در بیشتر کشورهای غربی غیرمتمرکز است و تنها در برخی از کشورها، از جمله آلمان و فرانسه و ایتالیا متمرکز است و از امتیازات نظام آموزشی متمرکز می توان گفت: تقریباً همه مردم دارای فرصت های مساوی برای استفاده

از تعلیم و تربیت هستند. حتی روستاها و مناطق دور افتاده نیز از کیفیت آموزشی مطلوب برخوردارند. در مقابل کشورهایی نظیر انگلستان و سوئیس دارای نظام غیر متمرکز هستند. نظام آموزشی انگلستان یک نمونه کامل از نظام غیرمتمرکز است.

برای آن عده که عهده دار آموزش و پرورش فرزندان مردمند، اعم از معلمان، مدیران، کارشناسان و برنامه ریزان آموزشی، اطلاع از وضع مدارس، دانشگاه ها، برنامه ها و هدف های آموزشی بین المللی، و نیز آگاهی از نوآوری هایی که پیوسته در نظام های آموزش و پرورش جهان صورت می گیرد و در دنیای امروز روندی فزاینده دارد، امری لازم و ضروری است، زیرا آگاهی از این اطلاعات به وسعت دید و کارآیی آنها در انجام فعالیت هایشان کمک می کند، باید اذعان داشت که بسیاری از مشکلات و گرفتاری های نظام های آموزشی، به ویژه در کشورهای جهان سوم، از نظر مبانی و اصول وجوهی مشابه دارند و اگر راه حلی برای یکی از این مسایل در گوشه ای از جهان کشف شود، بدون شک اجرای آن در شرایط مساوی در جای دیگر، به همان نتیجه منتهی خواهد شد. بدین جهت، اطلاع از نحوه ی کارکرد سیستم های آموزشی هر کشور و میزان کارآیی آنها برای مسئولان آموزشی کشور های دیگر امری لازم است. (فرجاد، محمد علی، ۱۳۹۰، ص ۷) میهن ما در حال حاضر یکی از مراحل مهم و اساسی و در عین حال حساس و دقیق خود را در زمینه ی توسعه ی آموزش و پرورش می گذراند. (آقازاده، احمد، ۱۴۰۱)

#### اهداف تطبیقی آموزش و پرورش:

آموزش و پرورش تطبیق به دانشی اطلاق می شود که موضوع آن شناسایی تحلیل و مقایسه شباهت ها و تفاوت های پدیده های تربیتی در داخل یک نظام آموزشی و یا میان نظام های آموزشی و پرورش کشورهای مختلف جهان با توجه به عوامل اجتماعی مذهبی اقتصادی سیاسی موثر در تشکل و پیدایش آنهاست (آقازاده ۱۴۰۱)

اصطلاح آموزش و پرورش تطبیقی را نخستین بار آنتوان ژولین در سال ۱۸۱۷ با انتشار طرح و نظرات اولیه اثری درباره آموزش و پرورش تطبیقی مطرح کرد. منظور از اهداف دستاوردها نقاط و قوت ضعف و اصول مشترک است که پژوهشگر با استفاده از مقایسه و تطبیق نظام های آموزشی رسمی کشورها به دست می آورد تا بتواند نظام های گوناگون آموزشی را شناخته و برای بهبود نظام آموزشی خود پیشنهادات و راهکارهای علمی را ارائه دهد. از جمله اهداف مهم، عبارتند از:

۱. کشف حقایق و مسائل تربیتی کشور خویش از طریق تحلیل و شناخت مسائل نظام های آموزشی کشورهای دیگر (آقازاده، ۱۴۰۱)

الف: پیدا کردن بینش باز نسبت به ضعف و قوت آموزش و پرورش کشور خویش

ب: پیدا کردن قدرت توصیف تحلیل و نقد نظام آموزشی کشور

ج: تغییر و اصلاح نظام آموزشی کشور

۲. آگاهی از تغییرات و اصلاحاتی که در نظام های آموزش کشورهای دیگر جهان که در نتیجه تغییر سیاست کلی آنان و یا بر اثر رویدادهای فرهنگی، اقتصادی و فنی، رخ داده است، می تواند ضریب اشتباهات برنامه ریز آن مجریان طرح های آموزشی را در تدوین تنظیم طرح ها رده بندی مسائل بین اولویت های اجرایی و اعمال روش های علمی در اداره امور آموزشی

کاهش دهد. مطالعات مقایسه‌ای به تدوین نظریه‌های عمومی با شمول جهانی منجر می‌شود و برای اصلاح نظام‌های ملی سودمند خواهد بود.

### استراتژی تئوری و عمل در آموزش و پرورش:

در نظام‌های آموزشی متفاوت تدوین برنامه درسی در سطح ملی با هدف‌های گوناگونی دنبال می‌شود کشورهای متفاوت اصلاح برنامه درسی را اقدام مهم و ضروری برای مدرسه و ورود به قرن بیست و یکم می‌دانند و آن را پاسخگویی به جهانی در نظر می‌گیرند که در تمام شئون زندگی افراد با سرعت در حال تغییر است. به همین دلیل در سال‌های اخیر بسیاری از کشورها اصلاح تغییر برنامه ی درسی را راهی برای آماده کردن کودکان برای کسب دانش مهارت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز برای زندگی در چنین جهانی دانسته و آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند. صاحب نظران بر این باورند که ابعاد آرمانی برنامه درسی مستقیماً به فرایندهای برنامه‌ریزی درسی راه پیدا نمی‌کند، بلکه برنامه‌ریزان درسی آن را متناسب با واقعیت‌های عرصه عمل درک می‌کنند و به کار می‌گیرند. (آیزنر ۱۹۹۴ شعب ۱۹۸۳ مکران ۲۰۰۷) یکی از موضوعات اساسی که در این حوزه برنامه‌ریزی درسی باید به آن پرداخت، شروط تطبیقی می‌باشد. (میرزا محمدی و همکاران ۲۰۱۸) زمینه‌هایی مانند معناداری امکان و شروط تطبیق در فلسفه تعلیم و تربیت فضا را برای طرح نظریه‌های آموزش و پرورش تطبیقی مانند: مابعد استعمارگرایی، پست مدرنیسم، فمینیسم، جهانی شدن، انتقادی و نئولیبرالیسم باز کرده است. (معدن دار و کاکیا ۱۳۹۷) نظام تربیتی در کشور ما گرفتار استعمار نو است و هم اکنون نیز مظاهری تحت عنوان مختلف جهانی شدن و نئولیبرالیسم در آن دیده می‌شود که با اهداف تعلیم و تربیت اسلامی در تضاد است. (میرزا محمدی و محمدی ۲۰۱۷) اگر بخواهیم به دستاوردهای نظام تعلیم و تربیت غرب استفاده کنیم لازم است که شروط اساسی تطبیق آن را در نظر بگیریم، زیرا دستاوردهای آنها در فضای فرهنگی خاص خود آنها شکل گرفته است و مشخص نیست که استفاده از آنها برای نظام تربیتی ما مفید باشد.

### تئوری‌های مطرح در آموزش و پرورش تطبیقی و رابطه هر تئوری با نظام آموزشی و مطالعات تطبیقی:

**تئوری مابعد مدرن گرایی یا پست مدرنیسم:** پست مدرنیسم جنبش فکری گسترده‌ای است که رشته‌های مختلفی از هنر معماری ادبیات تا فلسفه نظریه اجتماعی و سیاست را درنور دیده است که در دهه ۱۹۶۰ و به ویژه در جریان رویدادهای اواخر این دهه در اروپا و آمریکا شکل گرفته است و همراه با جنبش‌های انتقادی اجتماعی و سیاسی در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ گسترش یافته است. (دهقانی و آزر می ۱۴۰۰) برنامه درسی پست مدرنیسم رویکردی است که بر تفاوت و تنوع و شناخت تغییرات در زمان فضا مرزها و مکانی که شخص، به طور اجتماعی و تاریخی در آن شکل می‌گیرد، تمرکز زیادی دارد. (مک دونالد ۲۰۰۳) متفکران پست مدرنیسم در حوزه برنامه درسی معتقدند که برنامه درسی باید به دنبال نوعی تربیت تحولی باشد که موجب شود معلمان و دانش آموزان در سفر اکتشافی به بررسی مسائل بپردازند. (پاینار ۱۹۹۶) تعاریف و برداشت‌های گوناگون از این تئوری وجود دارد در قلمرو آموزش و پرورش شاید بتوان آن را نهضت فرهنگی بدانیم که تفسیر نوینی از ارتباط افراد و جوامع با یکدیگر ارائه می‌دهد، آنها اشاره می‌کنند که نظام آموزش و پرورش موجود در جهان یکی از نشانه‌های تفکر مدرنیسم است که از دوره رنسانس پایه گذاری شده است ولی این تئوری برای زمانه فعلی مناسب نیست آنها عقاید و اصول مدرنیسم را نصب کرده و اصول جدیدی را در برابر آن قرار می‌دهند. ۱. نفع

عقلگرایی و تجربه گرایی ۲. اعتقاد نسبی گرایی در شناخت ۳. رد تفکر برتری عقل بر احساس ۴. پذیرش نسبیت فرهنگی و قبول سنتها ۵. نفی آزاد سود-محور

در عمل مایه های فکری و خطوط کلی طرفداران تئوری نسبت به نظام آموزشی را می توان به شرح زیر تعیین کرد: ۱. حمایت از تربیت چند فرهنگی ۲. ارج نهادن به اقلیت های قومی و نژادی و جنسیتی ۳. ارج گذاری به دموکراسی واقعی و صوری در روابط اجتماعی و آموزش آن از سنین مدرسه ۴. توجه به خودآفرینندگی فراگیر در فراگرد یاددهی و یادگیری ۵. بها دادن به آموزش به عنوان اطلاعات.

عناصر برنامه ی درسی پست مدرنیسم که از چهار عنصر اصلی هدف، محتوا، روش و ارزشیابی تشکیل می شود. پست مدرنیست ها به تعیین اهداف مشخص و خاص اعتقادی ندارند بلکه با تکیه بر نسبت گرایی که یکی از ویژگی های پست مدرن است، اهداف موقعیتی زمان و مکانی می شوند محتوا و اطلاعات جایگاه سنتی خود را از دست می دهد. این مسئله اجازه می دهد یادگیرنده در حوزه های محتوایی متفاوتی قرار گیرد توجه به نیازها و علایق فراگیران در انتخاب محتوا نقش ویژه ای دارد و محتوای ثابت وجود ندارد. (دهقانی ۱۴۰۲) (نادری، ۱۳۹۶).

### مابعد مدرن گرایی یا پست مدرنیسم در عمل:

تعلیم و تربیت پست مدرن نوعی آموزش و پرورش گفتگو محور است که به کارگیری روش های گفتمان مدرسه ارمغان هایی چون ارتقای گرایش به همکاری و اقدام جمعی افزایش تحمل و بردباری در برابر دیدگاه های مخالف و بالندگی اندیشه جمعی راه های نو برای حل مسئله را در پی خواهد داشت. اساس تربیتی این دیدگاه تکثر گرایانه مبتنی بر گفتمان تاکید بر تفاوت ها و مطالعات فرهنگی ضد اقتدارگرا و انتقادی است.

### انتقادات از مابعد مدرن گرایی یا پست مدرنیسم:

در قلمرو تعلیم و تربیت سخنان آنان مبتنی بر مایه های نوآورانه نیست زیرا آنچه پست مدرن ها در خصوص آفرینندگی در یادگیری، روحیه دموکراسی و پرورش حس انتقادی در دانش آموزان گفته اند. همچنین در برنامه درسی مبتنی بر تعلیم و تربیت اسلامی به همه ابعاد فطرت توجه شده و زمینه های رشد همه جانبه آن فراهم می شود و هیچ کس از عوامل فرد، جامعه رشته علمی و طبیعت غایب نیستند. در دیدگاه پست مدرن از توجه به نقش و جایگاه رشته علمی در برنامه درسی غافل هستند. همچنین در دیدگاه تعلیم و تربیت پست مدرن بیشترین تاکید بر زمان حال است و هدف آموزش اقتضائات و ضروریات حیات دنیوی است و به همین دلیل اهداف، فرصت ها، مهارت ها و ارزش ها که در محتوای برنامه درسی آموزش داده می شود. فرد را برای دنیای بهتر و رفاه بیشتر آماده می کند و روح حاکم بر محتوای دنیا گرایی صرف می شود. از این دیدگاه، نقش محوری معلم و مربی تنزل پیدا می کند و معلم هم سطح دانش آموز قرار می گیرد.

### تئوری مابعد استعمارگرایی:

اصطلاح مابعد استعمارگرایی برای توصیف شرایط جهانی یا تغییر در نظام های اقتصادی سیاسی و فرهنگی کشورهای دنیا بعد از پایان جنگ جهانی دوم در هر دو گروه کشورهای سلطه گر و سلطه پذیر به کار می رود.

مبانی و نظریات اصلی نظرات ی اندیشمندان تئوری مابعد استعمارگرایی را می توان به شکل زیر جمع بندی کرد:

۱. استعمار در طی زمان نابود نمی شود بلکه صورت خود را عوض می کند از یک شکل به شکل دیگر تغییر می کند.
۲. استعمار فقط دارای شکل نظامی نیست. ۳. در دوره پس از استقلال سیاسی استعمار در کشورهای مستعمره شکل فرهنگی پیدا می کند. ۴. استعمار فرهنگی باعث تغییر هویت و آوارگی فرهنگی در مردم استعمار شونده می شود.

### مابعد استعمارگرایی در عمل:

۱. تا چه حد از نظام آموزشی کشورهای پیشرفته می توان الگو برداری کرد؟
۲. آیا عملکرد نظام آموزشی کشور می تواند عقب ماندگی یا پیشرفت آن کشور را توجیه کند؟ ۳. نقش نظام های آموزشی کشورهای در حال رشد در روند افزایشی پدیده مهاجرت و فرار مغزها چیست؟

### انتقادات از مابعد استعمارگرایی:

یکی از محدودیت های این تئوری نگاه مبتنی بر سوءظن و بدبینی شدید نسبت به نقش نظام های آموزشی کشورهای توسعه یافته به عنوان ابزاری در خدمت استعمارگران است بر نقش نظام در تحکیم سلطه تا بر نقش آن در تسریع توسعه تاکید می ورزد ما بعد استعمارگرایی زیاد با واقعیت همخوانی ندارد و الگوگیری از استعمارگران سابق نیز لزوماً منجر به عقب ماندگی نمی شود.

### تئوری فمینیسم:

فمینیسم به مثابه نظام فکری برآمده از انگاره اومانیسم بازتاب مکتب های فکری مدرن غربی در بحث زنان است. فمینیست ها عرصه تعلیم و تربیت را بهترین بستر برای توانمندسازی زنان و ترویج دیدگاه های نقادانه مبتنی بر جنسیت رسیدن به برابری کامل زن و مرد گسترش رشته مطالعات زنان و غیره از اهداف خود در این عرصه می دانند. (حکمت ۱۳۹۱) به این ترتیب هدف خود را به بررسی و توجه به نقش و جایگاه نیمی از جمعیت جهان قرار داده است.

تئوری و پژوهش های فمینیست ها تلاش می نماید که در رابطه با نهاد آموزش و پرورش، زنان را به عنوان یک واحد اساسی از فراگرد تعلیم و تربیت مطرح کند. (معدن دار ۱۳۸۵).

بنابراین نظریه تربیتی فمینیسم عبارت است از، چهارچوب فکری مبتنی بر جنسیت که از سوی فمینیست ها درباره مبانی اصول، اهداف، روش ها و برنامه های تربیتی ابراز شده و مورد تشویق و تعقیب آنان قرار گرفته است. چهار گروه عمده فمینیست ها عبارتند از:

۱. **فمینیست های لیبرال:** آنها به برخوردار شدن زنان از حقوق برابر شهروندی همانند مردان ایمان دارند. بعد از تعلیم و تربیت موضوع مورد توجه آنان این بوده است که تفاوتی در خور توجه بین دو جنس زن و مرد ذاتی نبوده بلکه حاصل اجتماعی شدن و شرطی سازی نقش جنسیتی از طریق نظام آموزشی است.
۲. **فمینیست های انقلابی:** از نظر آنها نابرابری های جنسیتی شکل اصلی نابرابری های اجتماعی است هستند. موضوع مورد توجه آنها بعد از تعلیم و تربیت، اثبات این امر است که چگونه قدرت مردانه در همه حوزه های زندگی اعمال و تقویت می شود.

۳. **فمینیست های مارکسیست:** آنها تلاش می کنند برای فروپاشی دستی زنان علتی مبتنی بر نظام سرمایه داری بیابند. بعد از تعلیم و تربیت موضوع مورد توجه آنها با توجه به نقش نظام خانوادگی و اقتصادی صنعتی تداوم ستم بر زنان است. این ستم ناشی از دو عامل باز داشتن زنان از کار فردی و کار بدون دستمزد در مراقبت و پرورش نسل بعدی کارگران به نفع نظام سرمایه داری است.

۴. **فمینیست های سوسیالیست:** آنها معتقدند جنس طبقه نژاد سن ملیت همگی ستم دیدگی زنان را پدید می آورد. از بعد از تعلیم و تربیت موضوع مورد توجه آنها توجه به نقش نظام سرمایه داری در ترویج نظام سلطه بر زنان است موضوعی که باعث افزایش ظاهری حضور زنان در محیط های کارگری با حقوق و دستمزد کمتر از مردم و به نفع سرمایه داری می شود. (پیشگاهی ۱۳۸۹)

### تئوری فمینیسم در عمل:

از نظر فمینیست ها نظام آموزشی می تواند ذهنیت های مبتنی بر تبعیض جنسی را حذف و ذهنیت مبتنی بر انسان سالاری را جایگزین آن سازد. همچنین از نظر آنها نظام آموزش و پرورش، رسالت مهم دیگری هم دارد که افزایش حس اعتماد به نفس و شخصیت در زنان است، بر این اساس هدف تعلیم و تربیت فمینیستی ایمن سازی زنان در برابر حوادث و وقایع زندگی افزایش توانمندی و حفظ شخصیت در آنان است، این امر محقق نمی شود مگر آنکه کتاب های درسی، شیوه های ارتباطی معلمان با دانش آموزان دختر و پسر نفی ارزش های مردانه حاکم بر محیط های آموزشی دردهای جدی این تئوری به نظام آموزشی. به ویژه به موضوعاتی همچون تاکید افراطی بر نقش عقل در روابط انسانی و نادیده گرفتن نقش احساسات و عواطف و ارائه الگوهای شغلی جنسیتی می باشد. این امر باعث می شود پژوهشگران آموزش و پرورش تطبیقی از سه جهت به بنیان های فکری جنبش فمینیسم توجه کنند. ۱. تحلیل رفتار کلاسی ۲. تحلیل محتویات برنامه درسی ۳. تحلیل مظلومیت جنسی.

### انتقادات از فمینیسم:

با اینکه فمینیست ها آگاهی اجتماعی را نسبت به وضع زنان افزایش داده و باعث شده اند اصلاحات آموزشی در داستان ها حذف تبعیض های جنسیتی صورت پذیرد با این وجود تاکید افراطی بر نقش زنان و نادیده گرفتن واقعیت های طبیعی وجود زن و مرد و تقسیم انسان ها به زن یا مرد توسط بعضی از فمینیست ها، هوشیاری محققان آموزش و پرورش تطبیقی را می طلبد از فرو افتادن به ورطه رقابت های جنسیتی پرهیز شود.

### تئوری نظام های جهانی:

تئوری نظام اجتماعی درباره تاریخ جهان و دگرگونی اجتماعی صحبت می شود و در مورد جمع کثیری از انسان ها است که در گستره جغرافیایی وسیع با محوریت یک تقسیم کار است دولت جامعه یا یک صورت بندی اجتماعی واحد تحلیل را در نظر گرفته نمی شود. این تئوری شکل تکامل یافته تئوری وابستگی است که در سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بر بهره کشی و رابطه مبتنی بر سلطه بین نظام های اقتصادی کشورهای در حال رشد و کشورهای توسعه یافته تاکید می نمود، در نظریه نظام جهانی، والراشتاین معتقد است، شناخت واقعیت های اجتماعی از طریق بررسی زیرساخت های اقتصادی شدنی است و شناخت زیرساخت اقتصادی جز از طریق شناخت یک نظام جهانی امکان پذیر نیست، بر این اساس نظام جهانی تنها

نظام کامل و فراگیر اجتماعی است که ساختارهای به هم پیوسته و مکمل اجتماعی اقتصادی سیاسی در درون آن قرار داشته و در حال تعامل اند.

این نظام از سه بخش جوامع مرکز، پیرامون و نیم پیرامون حاصل شده است.

۱. جوامع مرکز که جوامع دارای نظام بانکی قدرتمند فناوری پیشرفته سرمایه فراوان و تخصص در تولید انبوه کالاها می باشد.

۲. جوامع پیرامون که بیشتر بر پایه کشاورزی سنتی یا تولید مواد خام معدنی شکل گرفته اند در این جوامع نظام صنعتی و بانکی ضعیف و عقب مانده است در این جوامع دولت چه از نظر داخلی و چه از نظر خارجی ضعیف است تحت تاثیر کشورهای مرکزی قرار دارد.

۳. جوامع نیمی پیرامون که ترکیبی از خصوصیات جوامع مرکز و پیرامون را دارند. این جوامع یا در حال توسعه اند یا به تازگی به اندازه ای صنعتی شده اند ولی هنوز برخی از خصوصیات جوامع سنتی، کشاورزی را نیز در خود حفظ کرده اند، نقش رابط بین مرکز و پیرامون را نیز ایفا می کند. این سه بخش نظام جهانی سرمایه داری همانند یک زنجیر به هم پیوند داده اند و تمامی تحولات آنها با هم وابسته شده است و ساختارهای آنها نیز با هم گره خورده است. عملکرد تمامی ساختارها در نهایت به انباشته شدن بیشتر و مداوم سرمایه ر مرکز منتهی می شود. لذا جوهره این نظام استثمار به وسیله جوامع مرکز است. (ودیع و همکاران ۱۳۹۶) این نظریه برنامه درسی را به عنوان قلب فعالیت های آموزشی و پرورشی مطرح است به چالش فراخوانده است.

نظام جهانی را در عمل ، می توان بر اساس موارد زیر، همچون زمینه های مناسب برای پژوهشگران تطبیقی در نظر گرفت.  
۱. نقش نظام آموزشی در توسعه اقتصادی.

۲. نقش نظام آموزشی در تداوم نابودی نظام جهانی سرمایه داری

۳. نقش نظام آموزش در خروج یک کشور از جوامع پیرامونی و پیوستن به جوامع مرکز.

۴. نقش نظام آموزش در بقای یک جامعه در وضع پیرامونی یا نیمه پیرامون (ساعی ۱۳۸۸)

## انتقادات از نظام جهانی:

تقسیم بندی اوضاع جهان فقط بر بنیان وضعیت سرمایه متضمن نوعی ساده انگاری در خصوص انسان و اعمال و رفتار اوست همچنین نگاه عمدتاً ابزار منفی به نظام آموزشی بیشتر به نقش منفی نظام آموزشی در تثبیت و تشدید روند سلطه اصرار می ورزد و کمتر نقش رهایی بخش و مثبت نظام آموزشی در بهبود وضع زندگی میلیون ها انسان را مورد توجه قرار داده است تهدیدات این نظریه برای برنامه درسی ایران در تاکیداتی است که بر برنامه درسی موضوع محور بهره کشی اقتصادی ترویج روحیه مصرف گرایی و ناهمواری توزیع دانش دارد همچنین نقش منفی و ابزاری برای آموزش و پرورش در نظر می گیرند و جایگاهش در پس تامین منافع جوامع مرکز است.



## تئوری انتقادی:

در تاریخ فلسفه و نظریه آموزش و پرورش نظریه انتقادی از جمله نظریه های نوظهور است به تئوری انتقادی مکتب فرانکفورت هم می گویند زیرا ریشه در فعالیت های مطالعات یک موسسه علوم اجتماعی وابسته به دانشگاه فرانکفورت دارد. طرفداران این تئوری به نقش و کارکرد نظام آموزش توجه ویژه دارند. این تئوری تلاش می کند نظام های آموزشی را به خاطر ترویج بی عدالتی از طریق نهاد تعلیم و تربیت مورد نقد قرار دهد. در واقع نظریه پردازان انتقادی هم جهت با جنبش پست مدرن و در انتقاد به آموزش و پرورش رسمی به طرح مباحثی چون طبقه گرایی، نژادپرستی و تبعیض جنسی پرداخته اند. (آهنچیان ۱۳۸۶) نظریه پردازان آموزش و پرورش انتقادی به تدوین دستور کاری برای بهره گیری از آموزش و تحصیلات برای توانمند ساختن کسانی که بر مقدرات خویش حاکم نیستند، دست یافته اند. (گوتک ۱۹۹۷) در نظر این متفکران مدرسه و تربیت رسمی به نوعی در نابرابری های اقتصادی جنسی فرهنگی دست داشته اند و القای فرهنگ نظام سلطه به بازسازی جامع و بازارهای سرمایه به نفع قدرتهای حاکم پرداخته اند و فرهنگ ضعیف و اقلیت ها را به حاشیه کشیده اند. از نمونه متفکران تعلیم و تربیت انتقادی می توان پائولو فریره، ژيرو، هابرماس، مارکوزه، فوکو، اپل مک لارن نام برد. (فضلعلی زاده ۱۳۹۶) نظرپردازان انتقادی با توجه به زمینه و خاستگاه فکری خود به سه گروه اصلی تقسیم شده اند:

۱. گروه اول بر اهمیت و تاثیر برنامه درسی صریح و آشکار در باز تولید آگاهی تاکید می کند (پائولو فریره: فرهنگ سکوت ایوان ایلچ).

۲. گروه دوم با تاکید بر نقش برنامه درسی پنهان به اتخاذ دیدگاهی که به آن نظریه باز تولید می گویند پرداخته اند. بر اساس نظریه باز تولید مشکلات موجود در نظام آموزشی یک جامعه ناشی از ساختار تضاد طبقاتی آن جامعه است و نظام آموزشی به این ساختار تضاد طبقاتی تداوم بخشد و آن را باز تولید می کند.

۳. گروه سوم نیز در اندیشه های پست مدرن به سوی دیدگاهی با عنوان نظریه های مقاومت روی آورده اند (رابرو و اپل) به زعم آنان حتی اگر باز تولید اجتماعی و فرهنگی نیز در نظام آموزشی اتفاق بیفتد این کار ساده و آسان نیست و دانش آموزان در مقابل تقاضاها و فشارهای مدرسه از خود مقاومت نشان می دهند. (صحبتلو و محمدی ۱۳۹۴)

تئوری انتقادی در عمل:

نقش نظام آموزشی در پرورش شخصیت سالم و تغییر در روابط بین نهاد خانواده مدرسه همچنین موضوعاتی همچون نقش رهایی بخش یا سلطه گری نظام آموزشی وضع دانش آموزان اقلیت های نژادی و قومی جایگاه اتحادیه معلمان و نقش والدین می تواند مورد توجه عملی پژوهشگران تطبیقی قرار گیرد

انتقادات از تئوری انتقادی:

انتقادات وارد شده بر این دیدگاه تکه بیش از حد بر ویژگی عقلانی و اجتماعی انسان و خلاصه کردن ابعاد وجودی انسان در این مقوله است که از جنبه های هستی شناسانه عرفانی و دینی انسانی غفلت شود از انتقادات دیگر بر این دیدگاه تجویز روش گفتگو به عنوان شیوه آموزش و یاد دهی است.

تئوری نئولیبرالیسم:

طرفداران این تئوری به آزادی از قید و بندهای دولتی در همه شئون اجتماعی از جمله آموزش و پرورش تاکید دارند. رویکرد اساسی در این تئوری مشارکت بخش خصوصی و غیر دولتی در آموزش و پرورش است، به این معنا که مدرسه به واسطه تمرکز زدایی از اسارت دولت خارج شده است، و از طرفی به وسیله خصوصی سازی در چگونگی تامین منابع مدیریت و خدمات رسانی در چگونگی تامین منابع مدیریت خدمات رسانی به جامعه اختیار تام و تمام داشته باشد. (حاج حسینی ۱۳۹۸)

اصول اساسی نئولیبرالیسم تئوری شامل:

۱. رهاسازی موسسات و یا شرکت های خصوصی از هر نوع محدودیت دولتی

۲. قطع هزینه های عمومی برای خدمات اجتماعی مثل آموزش و پرورش یا مراقبت های بهداشتی

۳. بحث و گسترش خصوصی سازی

۴. حذف مفهوم نفع عمومی یا اجتماعی و جایگزینی مفهوم مسئولیت فردی به جای آن

اثرات تئوری نئولیبرالیسم بر آموزش و پرورش:

الف) تاکید بر نخبه گرایی این حرکت در سال های ۱۸۸۰ و تا ۱۹۲۰ به اوج خود رسید مریبان و دست اندرکاران نئولیبرال معتقد بودند که افراد باهوش بالا اخلاقی تر بوده و نسبت به کارشان متعهدتر می باشند و از تجربه های خود به سوی به سود جامعه استفاده می کنند. لذا تربیت آنان اولویت دارد. این برداشت در توزیع نابرابر قدرت و مسئولیت پذیری اجتماعی در ایده تفکیک برنامه درسی منعکس شد.

ب) بازاری شدن آموزش و پرورش: اولین پیوندهای نئولیبرالیسم و تعلیم و تربیت را می توان در جنبش اصلاح آموزشی ۱۹۹۳ در انگلستان مشاهده کرد در این جنبش تعهد آموزش و پرورش به بازار آزاد یا بازاری شدن آموزش و پرورش و مسئله حفظ نابرابری ها کاملاً آشکار است. آموزش نیز یک کالای اقتصادی است و دستیابی به آن مستلزم ورود به چرخه رقابت، این به معنای رقابت برای انتخاب بهترین معلمان و افزایش سطح صلاحیت های شغل معلمی است این تغییرات نئولیبرالیستی فراگیران و دانشجویان الدین معلمان و موسسات و سرمایه گذاران بازار هستند این همان نکته ای است که بورديو و از آن به عنوان باز تولید فرهنگی یاد می کند بورديو معتقد است مدارس از طریق ساز و کارهایی نظیر آزمون های ورودی خود باعث باقی ماندن سرمایه فرهنگی در دست طبقه مسلط می شوند بورديو مدارس را جامعه سرمایه داری سازوکارهایی برای باز تولید فرهنگی و باز تولید نابرابری های اجتماعی تلقی می کند.

تئوری نئولیبرالیسم در عمل:

برای جلوگیری از خصوصی سازی و بازاری شدن آموزش بخش بیشتری از تولید ناخالص داخلی و همینطور بودجه عمومی دولت به آموزش عمومی اختصاص داد. علاوه بر آن با افزایش کیفیت مدارس دولتی از طریق مهیا کردن بودجه و امکانات

مناسب برای آنها زمینه برای دسترسی عادت به آموزش برابر فراهم می شود به تدریج از گونه های مختلف مدارس کاسه و شرایط برای اقدام آنها در مدارس دولتی عادی فراهم می شود. (لیاقت دار ۱۳۹۱)

انتقادات نئولیبرالیسم:

خصوصی شدن آموزش در چند دهه اخیر پیامدهایی مانند نابرابری آموزشی کالایی سازی آموزش و افت کیفیت تحصیل را دارد. یافته ها نشان می دهد مصوبات و قوانین متعدد در راستای حمایت از سیاست های نئولیبرالیسم توسط مراجع گوناگون تصویب شده است نقش دولت در تامین هزینه های آموزش در چند دهه اخیر کاهش یافته است وجود مدارس متعدد نشان دهنده اجرای سیاست انتخاب مدرسه است روند رو به رشد مدارس خاص مدارس شاهد، مدارس هیئت امنایی، مدارس نمونه، مدارس تیزهوشان سبب ایجاد نوعی از خصوصی سازی شد که آن را خصوصی سازی درون زاد نامیدیم. (دارکش و فیروزآبادی ۱۴۰۲).

تئوری امپریالیسم جدید:

به نظامی گفته می شود که به دلیل مقاصد اقتصادی یا سیاسی می خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمین ها و ملت های دیگر را نیز به سلطه خود درآورد، جوهره امپریالیسم بهره کشی و استثمار ملتها و سرزمین های دیگر است که از راه حفظ و وابستگی اقتصادی و مالی، سیاسی و اقتصادی برای پراکندگی ارزش ها و عادت های فرهنگ متعلق به آن قدرت در میان مردم دیگر و به زمان فرهنگ آن صورت می گیرد در واقع امپریالیسم جدید تلاش دارد ثابت نماید آنچه را که در حال حاضر ما در گستره جهانی شاهد آن هستیم در واقع تداوم سلطه بر کشورهایی است که قبلاً جهان دوم و سوم نامیده می شدند. (مگراف ۱۳۷۶) امپریالیسم انواع گوناگونی دارد از جمله امپریالیسم فرهنگی سخن گفت، نظریه امپریالیسم فرهنگی بر آن است که فرهنگ های محلی، اصیل، سنتی در بسیاری از بخش های جهان در زیر انبوه عظیمی از فرآورده های تجاری و رسانه های عمدتاً آمریکایی که به گونه ای تبعیض آمیز این کشورها سراسری می شود، مدفون و در نتیجه نابود می شود. (ابو ۱۳۸۵) هرچند جوامع انسانی در خیلی از ویژگی های فرهنگی با هم اشتراکاتی دارند اما در عین حال همه جوامع چه در حوزه سرشت نامتجانس فرهنگی هستند این تنوع و کثرت باید همچون تنوع زیستی به عنوان میراث مشترک بشری مورد گنجینه سرشار تجربه خرد و رفتار تمام انسان ها حفاظت و حمایت قرار گیرد. حق برخورداری از فرهنگ خاص خود حق ابراز ایمان و اجرای مراسم دینی خاص خود، حق استفاده از زبان خاص خود، حق شرکت در زندگی فرهنگی و غیره از جمله مواردی هستند که در حوزه داخلی می توان آنها را بر شمرد.

امپریالیسم جدید در عمل:

جامعه جهانی اگر مبتنی بر توجه و حتی برجسته نمودن فرهنگ ها و اجتماعات محلی و منطقه ای جریان یابد تنوع طلبی فرهنگ نه تنها سبب بحران در هویت فرهنگ های بومی و محلی و از بین رفتن آنها نمی شود بلکه باعث غنا و اعتلا و در عین حال پالایش و تثبیت فرهنگ های مذکور می گردد امکان بیشتر جهت تعامل و ایجاد تعادل در باورهای فرهنگی بومی و منطقی را فراهم خواهد آورد. (فرخی ۱۳۹۴).

## نتیجه گیری

با توجه به بررسی مطالب ذکر شده و تئوری های ذکر شده، می توان نتیجه گرفت عامل اصلی پیشرفت نظام آموزشی، به موازات بسط و توسعه نهاد آموزش و پرورش باید به مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش دست زد، زیرا اینگونه مطالعات زمینه را برای انتقاد و رفع مشکل های نظام آموزش و پرورش فراهم می کند و اداره کنندگان چنین دستگاهی را در کشف و تحلیل مسایل تربیتی یاری می دهد. به سخن دیگر آگاهی از تغییرات و اصلاحاتی که در نظام های تربیتی کشورهای دیگر رخ داده است و مشکلاتی که آنان در اصلاح و توسعه آموزش و پرورش خویش داشته اند و آشنایی با روش ها و تدابیری که برای حل این مشکلات به کار برده اند می تواند ما را در شناسایی مسایل آموزشی و اتخاذ تدابیر شایسته برای حل و فصل رضایت بخش آنها، خصوصاً در زمانی که در اندیشه ی بنیاد نهادن نظام آموزشی نوین هستیم، یاری دهد.

در نظام برنامه ریزی متمرکز تمام ملاکهای مربوط به مدیریت آموزشی، توزیع برنامه های درسی، برنامه ریزی آموزشی، سیاستگذاری، استخدام و تأمین نیروی انسانی و ... متمرکز و در یک مرجع، یک بنیاد ازمان، سیاستگذاری می شود و مدیریت و سلسله مراتب آن در همان نهاد خاص مشخص شده و برنامه های آموزشی و تصمیم گیری درباره آن و همچنین اهداف آموزشی و سیاستهای کلی مربوط به این اهداف و تعیین منابع درسی و ... به صورت متمرکز صورت می گیرد، این امر باعث می شود فضای مناسب برای بروز خلاقیت و استعداد های فردی مسئولان سطوح پایینتر، معلمان و دانش آموزان فراهم نشود و در نتیجه بازدهی آموزشی در سطح پایینی باشد. اما در نظام آموزشی غیرمتمرکز، سلسله مراتب مدیریت و برنامه ریزی آموزشی به گونه دیگری است. نقطه نظرات، برنامه ها، پیش بینی ها و تعیین نیازها در سطوح پایین صورت گرفته و از مدرسه به مناطق آموزشی، بخش ها، شهرها، شهرستانها و ... و در نهایت به وزارت آموزش و پرورش اعلام می شود. لذا هر چه به سطح خرد نزدیک شویم، مسئولیتهای اجرایی، تصمیم گیری و اجرای برنامه های آموزشی بیشتر است.

#### منابع

- ۱- خلاصه کتاب آموزش و پرورش تطبیقی، تألیف دکتر محمد علی فرجاد، انتشارات رشد، چاپ ششم ۱۳۸۸ (جلد اول)
- ۲- تاملی بر نظریه انتقادی در تعلیم و تربیت صحبتلو علی میرزا محمدی محمد حسن ۱۳۹۴.
- ۳- نقد و ارزیابی نظر نظریه نظام جهانی موافقان و منتقدان احمد ساعی ۱۳۸۸.
- ۴- عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی ایران مزایا و معایب آن.
- ۵- دهقانی آزر می کریمه ۱۴۰۲ مطالعه انتقادی.
- ۶- تحولات نئو لیبرالی آموزش عمومی در ایران پس از انقلاب دارکش سید احمد ۱۴۰۲.
- ۷- بررسی و نقد نظریه تربیتی فمینیسم حکمت محمد آصف ۱۳۹۱.
- ۸- تحلیل تطبیقی رویکردهای آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن انگاره های تربیتی و الگوی پیش رو حاج حسینی ۱۳۹۸.
- ۹- نظریه های فرهنگی فمینیست و دلالت های آن بر جامعه ایران پیشگاهی فرد ۱۳۸۹.
- ۱۰- آموزش و پرورش تطبیقی آقا محمدزاده ۱۴۰۱.
- ۱۱- روابط جهانی در عصر جدید الکترونیک ابو ۱۳۸۵.
- ۱۲- مکاتب فلسفی و آرای تربیتی ایدئولوژی مینایی بر عملکرد آموزش و پرورش لیاقت دار ۱۳۹۱.
- ۱۳- نظریه نظام جهانی در اندیشه و آرای والرش تاین ودیعه ۱۳۹۶.